دو سند:

سازمان سیا

علیه

مصدق

ترجمه و تنظیم: انوشه

دو سند

ترجمه و تنظیم : انوشه

فهرست

بجای مقدمه

این دادگاه بهیچ وجه من الوجوه صالح نیست ومن اکنون می‌خواهم از روی حقیقتی پرده برگیرم وآن اینستکه در طول تاریخ مشروطیت ایران اولین باری است که یک نخست وزیر قانونی را به حبس و بند می‌کشند و روی کرسی اتهام می‌نشانند برای شخص من خوب روشن است چرا اینطور شده ولی می‌خواهم قاطبه ملت ایران و بخصوص طبقه جوان و تحصیل کرده که چشم و چراغ مملکت و مایهٔ امید این مملکت هستند نیز علت این سخت گیری و شدت عمل را بدانند و از راهی که برای طرد نفوذ استعماری بیگانگان پیش گرفته‌اند منحرف نشوند به من گناهان زیادی نسبت دادند ومن می‌دانم یک گناه بیشتر نکرده‌ام وآن اینستکه تسلیم تمایلات خارجیان نشده و دست اجانب را از منابع ملی کشور کوتاه کرده‌ام در تمام مدت زمامداری خود از لحاظ سیاست داخلی وخارجی یک هدف داشتم وآن این بود که ملت بر مقدرات

خود مسلط گردد و هیچ عاملی در سرنوشت مملکت جز اراده ملت دخالت نکند ·

پس از ۵۰ سال مطالعه و تجربه به این نتیجه رسیدم جز تاٴمین آزادی و استقلال ممکن نیست ملت ایران بر مشکلاتی که در راه سعادت وعظمت خود دارد غلبه کند برای نیل به‌این منظور تا آنجا که توانستم کوشیدم ·

ولی من مطمئنم که نهضت ملت ایران خاموش‌شدنی نیست و هرگز فراموش‌نکنید که سرنوشت افراد در مقابل حیات واستقلال ملل بی ارج وبی ارزش است وتنها آرزویم این است که ملت ایران اهمیت نهضت ملی خود را به خوبی درک کنند وبهیچ صورت از تعقیب راه پر افتخاری که رفتند دست نکشند امیدواریم که تمام طبقات وآحاد وافراد از پیر وجوان در هر مسلك ومذهب ودین در هر شغل وهر مقام این معنا را بخوبی درك كنند که بیش‌از یك قرن سیاستهای مخرب ومهلك خارجی در مقدرات وطن عزیز ما تاٴثیر خارق‌العاده داشت وتمام جریان سیاسی واقتصادی مملکت

را تحت تاثیر می‌گرفت و مخصوصاً "نفوذ سیاسی و اقتصادی امپراطوری انگلیس و حکمرانی آشکار و پنهان شرکت سابق نفت جنوب در مدت نیم قرن امکان تجدید حیات و فعالیت شرافتمندانه را از ما سلب کرده بود مقتضیات سیاسی دنیا و عشق و علاقه‌ایکه تمام طبقات و افراد ملت به مبارزه با این سرطان مهلك و طرز این سیاست استعماری داشتند به من و دوستانم فرصت داد به حکمرانی دولت انگلیس در ایران و شرکت سابق نفت خاتمه داده و صنعت نفت جنوب را ـــــــ

....

(از سخنان دکتر محمد مصدق در دادگاه نظامی)

دهه ۱۹۶۰ را می‌توان سالهای ناخوشایندی برای سیا دانست . زیرا افشای پاره‌ای از اسرار این سازمان مورد حمله ناگهانی مطبوعات و انتقاد شدید مردم قرار گرفت و همه سیا را مسئول تمام حوادث ناگوار روی کره زمین دانستند .

همه بدبختیهای سیا اززمانی شروع شد که توطئه آن برای اشغال کوبا در سال ۱۹۶۱ با شکست مواجه شد ، نقشه‌این توطئه چنین طرحریزی شده بود که فراریان کوبائی ، ارتش وعمال سیا تحت عنوان "ملت کوبا " علیه فیدل کاسترو قیام نمایند ، این نقشه را برای جان کندی که شدیدا" تحت تا ثیر احساسات ضد کوبائی خود درمبارزات انتخاباتی سال ۱۹۶۰ قرار گرفته‌بود با آب و تاب فراوان تشریح کردند .

شکست سیا در این ماجرا که به ماجرای "خلیج خوکها" معروف است اولین واقعه‌ای بود که منجر به عقب‌نشینی ممتد سیا در صحنه بین‌المللی گردید — بعد از این ماجرا بود که کوس رسوائی سیا در کنگو، گویان، جمهوری دومینکن، ویتنام، لائوس و کامبوج زده شد .

این شکست های پی در پی یاد دو ماجرای موفقیت آمیز سیا را از خاطره‌ها محو نمود . این دو ماجرا عبارت بود از سرنگون کردن حکومت ملی دکتر مصدق در ایران به نفع شاه و همچنین واژگون کردن رژیم اصلاح طلب "آربنز" در گواتمالا یکسال بعد از توطئه در ایران . بزرگترین ضربه در سالهای ۱۹۶۷ — ۱۹۶۶ به سازمان سیا وارد شد و آن هنگامی بود که فاش گردید سازمان نامبرده در تعداد زیادی از موسسات تحصیلی و فرهنگی و سندیکائی جهان نفوذ کرده و حتی با صرف پول و از راه‌های موثر دیگر نقش رهبری این موسسات را در جهان بعهده گرفته است . ! !

با وجود اینکه این عملیات کثیف را سیا در خارج از امریکا انجام داده بود ولی در زمان جانسون طعم اولین ضربه داخلی را چشید و با بحران ناشی از عدم اعتماد داخلی مواجه گردید و کنگره کمیسیونی را مامور بررسی عملیات جنایت آمیز سیا نمود ، اما هدف این تحقیقات و کمیسیونها مثل سایر موارد مشابه اتلاف وقت و آرام کردن مردم بود. این کمیسیون در حالی به کار خود پایان داد که نتیجه آن بصورت انتخاب آقای هلمس بریاست سازمان سیا ظاهر گردید .
آیا واقعاً "آقای هلمز قبلاً" در عملیات گسترده سیا شرکت نداشته است ؟ !!

* * * *

سیا یك سازمان جدید و جوان است که زائیده جنگ سرد می باشد این سازمان در سال ۱۹٤۷ بنا به پیشنهاد پرزیدنت ترومن و تائید کنگره بوجود آمد .

شناسنامه ایجاد سیا عبارت از قانونی است که در آنزمان تحت عنوان " قانون امنیت ملی " تدوین گردید ، همین قانون موجد " شورای ملی امنیت امریکا " نیز می باشد ، شورائی که طرف مشاوره رئیس‌جمهور در امور امنیتی قرار می گیرد .

سازمان سیا تحت سرپرستی شورای ملی امنیت قرار گرفت و مکلف شد که اطلاعات و نظریات خود را به شورای نامبرده تسلیم نماید وسایر ماموریتها و اطلاعات مورد نیاز شورا را انجام دهد .

باید خاطرنشان کرد که تنها در سال ۱۹٤۷ نبود که نیاز به کسب اطلاعات برای امریکا محسوس گردید ، بلکه از زمان حمله غافلگیرانه " ساحل مروارید " دولت امریکا دریافت که تا چه اندازه ازتکوین این قبیل حوادث بی اطلاع و غافل بوده است . دولت امریکا با عجله اداره مطالعات

استراتژیک OSS را تا سیر نمود و شخصیت‌های دولتی مهمی چون آلن دالس (که در سال ۱۹۵۳ رئیس سیا گردید) و — والت روستو — دین راسك وهلمز در این اداره خدمات شایسته‌ای برای دولت امریکا انجام دادند .

با این همه نباید چنین تصورکرد که تنها ماجرای " ساحل مروارید " باعث ایجاد سازمان سیا گردید ، بلکه علت اصلی عبارت بود از خروج امریکا از سیاست انزوا طلبی و احساسی که پس از جنگ دوم جهانی به ملت امریکا بعنوان نیرومند ترین ملت جهان غرب دست داده بود .

حتی اگر ماجرای " ساحل مروارید " بوقوع نمی پیوست امریکا برای خود مسئولیت جهانی قائل شده بود چنین سازمانی را بوجود می‌آورد .

ظهور شوروی به عنوان یك قدرت رقیب و نیرومند حتی پیش از برگزاری جشن پیروزی جنگ دوم جهانی ، مسئولان امریکائی را به تا سیس یك دولت نامرئی بنام " سیا " بیش از پیش ترغیب نمود .

از سال ۱۹٤۷ مردی در صدد ایجاد چنین سازمانی بود ، این مرد آلن دالس بود ، یك دیپلمات و وکیل قدیمی دادگستری و نماینده سابق سازمان OSS در سوئیس در طول جنگ دوم جهانی . این مرد که به معروفترین متخصص اطلاعات ایالات متحده امریکا شهرت یافته بود طرف مشاوره ترومن قرار می گرفت .

وی در سال ۱۹٤۷ طی نامه‌ای به ترومن لزوم تشکیل یك سازمان مرکزی اطلاعاتی را ضمن تشریح وظایف حساس گردانندهٔ آن خاطر نشان ساخت .

بزرگترین عملیات موفقیت آمیز سیا در زمان ریاست آلن دالس انجام گرفت این عملیات عبارت بود از دو ماجرا که سیا با انجام آنها به اوج موفقیت در عرصه جاسوسی بین‌المللی رسید یکی از این عملیات موفقیت‌آمیز ماجرای سرنگون کردن مصدق و باز گرداندن شاه فراری ایران در سال ۱۹۵۳ می باشد و دیگری ماجرای " شورش موزها " در گواتمالا که منجر به سقوط حکومت آربنز گوزمن رئیس جمهور این کشور در سال ۱۹۵٤ گردید .

(ماجرای د خالتسازمان‌سیاد ر ایران و بازگرد اند ن شاه به سلطنتبوسیله کیم روزولت ما مور سیا) •

یکی از موفقیت آمیز ترین ما موریت های سیا که نشاند هندٔ قد رت این‌سازمان و وسعت د خالت سیا سی آن د ر کشورهـای د یگر است ماجرای د خالت سیا د ر ایران است •

زمان آلن د الس‌د ر سال ۱۹۵۳ سازمان‌سیا کود تائـــی د ر ایران ترتیب د اد که باعث سرنگون شد ن حکومت مصـــد ق و نجات تاج و تخت محمد رضا شاه پهلوی گرد ید • طبـــق نوشته‌های د یوید وایس و توماس •ب• روس نویسند گان اسناد مربوط به عملیاتسری امریکا این کود تا تماما" توسط ما موریـن سیا و همکاران انگلیسی آنان برنامه‌ریزی و اجرا گرد ید •

کود تائی که باعث سقوط دولتایران د رآن سال شـــــد توسط ما مور سرشناس‌سیا کیم روزولت (نوه تئود ور روزولـــت رئیس‌جمهور اسبق امریکا) هد ایت گرد ید •

هنوز پس از سالها که از این ماجرا می‌گذرد در محافل جاسوسی از کیم روزولت بعنوان آقای ایران "Mr.IRAN" نام برده می‌شود . کیم روزولت بعدها به عنوان مدیر روابط سازمان همکاریهای نفتی خلیج فارس انتخاب و سپس در سال ۱۹۶۰ بعنوان معاون این سازمان منصوب گردید . ماجرای عملیات این مرد در ایران سالها زبانزد محافل جاسوسی سیا بود و گفته می‌شود که وی مستقیما اجرای عملیات کودتا علیه مصدق را به عهده داشته است و درحالیکه اسلحه کمری خود را به شقیقه یك فرمانده تانك گذاشته بود نخستین تانك کودتای معروف ۲۸ مرداد را به خیابانها کشانید .

یکی دیگر از ماموریت معروف سیا که از متخصصین امور ایران در سازمان سیا بوده و ماجرای این کودتا را بخوبی می‌داند تعریف نموده است که کیم معروف ، مرکز عملیات کودتای خود را برخلاف آنچه که گفته‌اند در سفارت امریکا در تهران مستقر ننموده بلکه این عملیات را از یك زیرزمین در تهران رهبری می‌کرده است .

ژنرال فضل الله زاهدی که سازمان سیا وی را بــــرای جانشینی مصدق انتخاب نموده بود یکی از همکاران نزدیــــك سازمان سیا در امور جاسوسی ایران بوده است ، این مـــرد یك متر و هشتاد و پنج سانتی را متخصصین سیا یکــــی از جلادان معروف تاریخ لقب داده‌اند وی قبلا درمبــــارزات خود برضد بلشویك ها به رهبری سازمان سیا شکست خورده و توسط کرد ها دستگیر گردیده بود ، ما مورین سازمـــــان جاسوسی انگلیس زاهدی را در سال ۱۹۴۲ از بازداشـــت ربودند زیرا فکر می کردند که وی جاسوس نازی هـــــا است در طول جنگ بین‌الملل دوم که ایران بوسیلـــه روسهـــا و انگلیسیها اشغال گردید درمحل اقامت زاهدی مقـــــدار زیادی اسلحه اتوماتیك آلمانی ، مقداری تریاك و نامه‌هائی از واحد های چترباز آلمانی ما مورعملیات ضد چریکــــی در کوهستانها و همچنین آلبومی حاوی تعداد زیادی عکـــس و آدرس فاحشه‌های معروف آنروز تهران پیدا کردند ــ بعـــد از اتمام جنگ وی را در پستهای مهم دولتی به کار گماشتنـــد

و وزارت کشور را در سال ۱۹۵۱ به او محول نمودند ـ در این زمان دکتر مصدق شرکت نفت انگلیس و ایران را ملی نمود و این کار باعث خلع ید انگلیس از تاسیسات نفتی خلیج فارس گردید ، پالایشگاه آبادان بسته شد و امور نفت دچار اختلال گردید انگلیس با پشتیبانی دول غربی نفت ایران را بایکوت نمود و با خارج نمودن فوری متخصصین خود درصدد ایجاد اختلالات بیشتری برای درهم شکستن مقاومت مصدق وملی گرایان ایران برآمد .

انگلیس و امریکا که نگران وضع نفت ایران شده بودند بفکر چاره افتادند این چنین بود اوضاع ایران در زمانیکه آقای کیم روزولت ما موریت یافت که دولت مصدق را واژگون و زاهدی را بجای او منصوب نماید .

با اینکه روزولت درزمان کود تا بیش از سی و هفت سال نداشت ولی یکی از متخصصین و آگاهان سازمان سیا بود .

روزولت در بوئنس آیرس متولد شده بود و پدرش که پسر نامشروع تئودور روزولت بود کرمیت خوانده می شد .

کیم از دانشگاه هاروارد فارغ‌التحصیل گردید و زمـــان جنگ دوّم جهانی در همین دانشگاه نیز به تدریس تاریـــخ مشغول شد و ازدواج کرد و پس از چندی کار تدریس را رها نمود و مدّتی در موسسه تکنولوژی کالیفرنیا مشغول به کار شد و سپس به سازمـــان oss و بعد از جنگ به سازمان CIA پیوست و یکی از متخصصین سیا در امور خاورمیانه گردید .

پدرش در زمان جنگ در آلاسکا درگذشت و عمویـــــش سرتیپ روزولت در کنارههای نرماندی در همان جنگ جـــان داد .

پس از آنکه آمریکا وانگلیس مصمم گردیدند که به هرقیمتـی که شده مصـدق را سرنگون نمایند سیا به آنها اطمینان خاطر داد که با اطلاعات کامل و ماموریت مورد اطمینانی کــــــه در ایران دارد این نقشه را با موفقیت اجرا خواهد نمـود و آقای کیم روزولت به عنوان فرمانده عملیات این کودتا منصـــوب گردید و شروع به کار کرد .

***

کیم ابتدا پس‌از عبور از مرزایران و ورود به ایـــــن کشور خود را مدتی موقتاً" مخفی و از نظرها پنهان نمود .

این اولین‌باری نبود که وی به‌ایران می‌آمد به همیـــــن منظور نمی‌خواست بوسیلهٔ مردم شناخته شود . کیم سپس از محل های مختلف تهران عملیات ضد مصدقی خود را رهبـــری نمود و خود را کاملا" از تحت نظارت و حمایت سفارت آمریکـــا د ور نگه د اشت .

او توسط پنج عضو د یگر سازمان‌سیا که د ر سفارت آمریکـــا بود ند و ظاهرا به کارهای عادی اشتغال داشتند وهمچنین هفت نفر ما مورین ایرانی سیا اطلاعات د ولتی و بـــــا ارزش را بد ون آنکه این‌افراد را از نزد یك ببیند کسب نمود .

زمانی که کیم مشغول طرح ریزی نقشه کود تا بود ژنرال ــ هـ . نورمان . شوارتسکف نیز به‌ایران وارد گرد ید . ایـــن ژنرال که د رعملیات پلیسی و جاسوسی معروف به " ربود ن‌بچه لیند برگ " ما مور ویژه بوده د ر سال ۱۹۳۲ بعنوان رئیـــس پلیس نیوجرسی آمریکا منصوب شده و مدتی د ر راد یـــــوی

آمریکا صراح و مجری یک سری برنامه های جاسوسی و گانگستری بود وی با ژنرال زاهدی دوستی بسیار نزدیکی داشت و به بهانه دیدار او به ایران آمده و بلافاصله در عملیات کودتا شرکت نمود و بالاخره این ژنرال در سال ۱۹۴۰ مامور سازمان دادن به تشکیلات پلیسی شاه گردید .

****

ی
روز سیزدهم اوت شاه طبق فرمانی مصدق را برکنار و زاهدی را به جای وی برگزید .

(از دفاعیات مصدق در دادگاه نظامی[1] ... چگونه ممکن بود که من درباره دستخط شاه و صحت آن تردید نکنم زیرا چه کسی می‌توانست که این عمل را بعهده بگیرد و بر خلاف نظر مردم قدمی بردارد . ساعت یك و نیم بعد از نیمه شب با وجود حکومت نظامی هیچکس قصد رفتن به خانه‌های عمومی را هم نمی‌کند تا چه رسد به‌این که دستخط شاه را به نخست وزیر ابلاغ کنند چنانکه دستخط در روز ابلاغ می‌شد با این که بر طبق مقررات مشروطیت صادر نشده بود یك

---

۱ ـ محاکمه و دفاع دکتر محمّد مصدق ، صفحهٔ ۳۸ .

۲ ـ این سرهنگ نعمت‌الله نصیری ارتشبد فعلی است که مدت ۱٤ سال بر سازمان مخوف اطلاعات و امنیت کشور فرمان راند و شجاعترین فرزندان ایران به دستور او و بوسیله ایادیش شکنجه و شهید شدند و اکنون برای حفظ جانش در زندان بسر می‌برد .

بیانیه صادر و از کار دوری می‌کردم مگر روز ۲۶ تیر ۱۳۳۱ که شاه با تصدی وزارت جنگ اینجانب موافقت نکرد و حق هم نداشت استعفا نداده بود ... من ثابت‌خواهم کرد که شاه حق عزل مرا نداشت)

دکتر مصدق سرهنگی [۲] را که حکم برکناریش‌را به وی ابلاغ‌کرده‌بود بازداشت نمود و متعاقب‌آن انقلاب مردم در خیابانهای تهران به اوج خودرسید وشاه که در آن زمان بیش‌از سی و سه سال نداشت ازکاخ ییلاقی خود درکنار دریای خزر همراه ثریا به بغداد گریخت .

تماس‌کیم روزولت به مدت ٤٨ ساعت‌با همکاران ایرانی اش قطع گردید . شاه اکنون در رم بود سفیر وکارمندان سفارت ایران در رم از پذیرفتن وی و از هرگونه کمك و مساعدت به او خودداری نموده و اعلام داشتند که شاه را به رسمیت نمی‌شناسند .

آلن دالس برای مشاوره باشاه فورا" به رم رفت . اشرف خواهر شاه نیز سعی نمود که در این توطئه بین‌المللی شرکت نماید .

حالا دیگر خیابانهای تهران درقرق کمونیستها و انقلابیون بود که مجسمه‌های شاه را پائین کشیده بودند ، امّا ناگهان این گروهها شروع به مخالفت با مصدق کردند و ارتش دراین فرصت بروی مردم آتش‌گشود .

دراوایل روز ۱۹ اوت سربازان زاهدی مردم را بگلوله بستند و دسته‌های آقای کیم روزولت ونظامیان زاهدی درخیابانها به‌هم‌پیوستند .

ماموران روزولت برای جمع‌آوری افراد مورد نیاز [1] به باشگاه‌های ورزشی رفته و عده زیادی از ورزشکاران وکشتی‌گیران و وزنه برداران را با خود همصدا نمودند و سپس در بازار تهران با شعارهای موافق شاه به اغتشاش پرداختند .

پیش از ظهر بود که عملیات با موفقیت کامل ابعاد گسترده‌ای به خود گرفت و اوضاع بناگهان بر ضد مصدق تغییر نمود .

سپس زاهدی [2] از مخفیگاه خود بیرون آمده و عملاً"

---

۱ ــ منظور شعبان جعفری معروف به شعبان بی مخ زنجیه‌های اوست که با بستن لنگ و بدست گرفتن چماق واخذ دلارهای آمریکا شاه دوستی خود را به ثبوت رسانیدند .

۲ ــ سپهبد زاهدی با امپریالیستهای خارجی و محافل

به قدرت نمائی پرداخت دکتر مصدق توقیف و به زندان انداخته شد و رهبران حزب توده قلع و قمع شدند .

متعاقب این کودتا انگلیسها که کنترل خود را برنفت ایران از دست داده بودند در اوت ۱۹۵۸ با تشکیل

ارتجاعی داخلی وابستگی بسیار زیادی داشت . زاهدی در سال ۱۹۵۱ پست وزارتکشور کابینه مصدق را عهده‌دار بود و پس‌از قطعی شدن شرکت او در کشتار ۱۵ ژوئیه ۱۹۵۱ از پست وزارت مستعفی شده‌بود .زاهدی چنین وانمود میکرد که از سیاست کناره گیری‌کرده و باشگاهی برای افسران بازنشسته تشکیل داده‌است . این باشگاه در عمل به مرکز توطئه چینی و اقدامات ضد ملّی محافل ارتجاعی تبدیل شده بود .

در ماه اکتبر ۱۹۵۲ یك توطئهٔ ضد دولتی کشف شـــد و بطوریکه حسین فاطمی وزیر امور خارجه مصدق اعلام کرد ایـن توطئه از طرف یکی از سفارتخانه‌های خارجی در ایـــــــران (سفارت انگلستان) طرحریزی‌شده بود . زاهدی نیــز در سازمان دادن این توطئه شرکت داشت . اما زاهدی‌اینبــار دستگیر نشد وبه مجازات نرسید وآزاد ماند وبه توطئه‌چینی‌ـ های بعدی خود ادامه داد .

تاریخ نوین‌ایران‌نوشتهٔ ایوانف
صفحهٔ ۱٦٦ .

کنسرسیوم بین‌المللی کمپانی های‌نفتی قرارداد بیست و پنج ساله‌ای را بر ایران‌تحمیل نمودند .

***

سالها بعد از این کودتای امریکائی ـ انگلیسی وقتی که در سال ۱۹۶۲ از آقای دالس‌در یك مصاحبه تلویزیونی سی . بی . اس‌آمریکا پرسیدند که آیا صحت داشته است که آمریکا برای ترتیب دادن‌این کودتا میلیونها دلار خرج نموده تا جنبش ملت ایران سرکوبی و رهبر ملی آنان مصدق برکنار گردد .

با اینکه دولت‌امریکا تا آن زمان این راز را فاش‌نکرده بود آقای دالس‌پاسخ داد : " باید عرض‌کنم که نسبت به رقم مخارج آن مبالغه کرده‌اند !! "

این رئیس‌سابق سازمان‌سیا بعد ها در کتاب معروف خود بنام " پیشه جاسوسی " ضمن اشاره به حوادث آن روز ایران بیان این مطلب را تائید نموده‌است .

پایان

اینترجمه از روی اسنـادی که سازمان سیا مربوط بـــــه تاریخ جاسوسی سیا بین سالهای ۱۹۷۱ ـ ۱۹٤۵ در اروپا منتشر کرده است انجام گرفت ۰

New York,

The Shah's Secret Police Are Here

By Gregory F. Rose

"...SAVAK agents operate with impunity in America, watching and harassing Iranian dissidents and opponents of the regime ..."

پلیس‌های مخفی شاه اینجا هستند

مجله نیویورک

نویسنده ـ گرگوری ۰ اف رز

کارگزاران ساواک با مصونیت کامل در امریکا فعالیت می‌کنند آنها مواظب همه هستند و تمام مخالفان وکسانی را که برضد رژیم هستند بستوه می‌آورند ۰

پیاده‌روی جلوی کنسولگری ایران گوئی مرکز تجمع تمام پلیس‌های نواحی کلمبیا ـ پلیس پارک ملی پلیس‌های محافظ ایالتی و پلیس‌های مخفی شده بود ۰ آنها گاهی به گفتگو و خنده مشغول می‌شدند وزمانی با نگاههای عصبی و نگران به امتداد خیابان ماساچوست و بصف مرتب پلیس‌های واشنگتن می‌نگریستند که سه مرد ایرانی را دربر گرفته بودند درحالیکه دانشجویان تظاهرکننده ایرانی با خستگی مفرط در اطراف ماشین پلیس روبروی ساختمان کنسولگری برزیل درحرکت بودند ۰

"شاه دست آموز امریکاست ، مرگ بر شاه " این را شصت نفر از تظاهرکنندگان با آهنگی موزون و مرتب می‌خواندند چهره آنها بیش از آنکه خشمگین باشد از خستگی مفرط حکایت می‌کرد که ناشی از پیمودن راه دراز پارك لافایت تا محل استقرار پلیس در چند صد متری سفارت ایران بود . شاید تنها خطری که آنروز توده پلیس را تهدید می‌کرد آفتاب بود چون تظاهرات خاتمه یافت دانشجویان پرچمهای شعار خود را جمع کردند تا بار دیگر در تظاهرات از آنها استفاده کنند . آنوقت در گروههای کوچك راهی منازل خود شدند و در این موقع پلیس‌های محافظ سفارت نفسی براحتی کشیدند .

ناگهان یك اتومبیل بزرگ و تشریفاتی برنگ آبی با پلاك واشنگتن . دی . سی . به شماره (دی . پی .ال . ۴۱۳۸) از خیابان ماساچوست بطرف مدخل سفارت رانده شد . درهای اتومبیل بسرعت باز شدند وچهار مرد که یکی از آنها در لباس سفید ـ از آن پیاده شدند . یکی از محافظین بسرعت نظری باطراف وآنطرف خیابان افکند وچون دید که عکاسی

مشغول عکسبرداری است بسرعت مرد سفیدپوش را چنـــان چرخاند که پشتش به طرف خیابان باشد . مرد سفید پـوش درحالیکه کماکان پشتش به دوربین بود با سرعت بطـــرف در ورودی محل اقامت سفیر که در منتهی الیه ساختمان مقر سفیر، قرار دارد رفت . بمحض اینکه به در ورودی رسید یك ایرانی درحالیکه بتندی نفس می زد از مقر بیرون آمد . آنها بهـــم پیوستند و مرد سفیدپوش دسته‌ای کاغذ از کیف دستی خـــود بیرون آورد که به او بدهد . لحظه‌ای بعد مرد دوم بسرعت سوار ماشین سفارت شد و مرد سفیدپوش نیز با دو قدم دیگر وارد اقامتگاه سفیر شد . چند لحظه بعد سرپرست هـــای پلیس هم از راه رسیدند و از در مخصوص سفیر وارد شدند .

مردی که لباس سفید بتن داشت منصور رفیع‌زاده پلیس ـ مخفی شاه و رئیس عملیات ساواك در آمریکا بود . "ساواك" ـ مخفف ایرانی "سازمان اطلاعات وامنیت کشور" از شهرت شومی برخوردار است . سازمان های بین المللی از جمله سازمـــان عفو بین المللی مکررا" ساواك را بخاطر فشار و شکنجه مخالفین

در ایران مورد حمله قرار داده‌اند . بعضی از مقامات آگـاه در غرب تا آنجا پیشروفته‌اند که می گویند کنترل ساواک بـــــر زندگی اکثریت مردم ایران خیلی بیشتر از کنترل سازمان مخفی کا . ژ . ب . بر مردم روسیه است .

شمّه‌ای از اعمال روش شکنجه و اعدام زندانیان سیاســـی توسط ساواک ــ سانسور مطبوعات و عقاید ــ خودداری از اجرای مراحل قانونی بازجوئی و نیز عملیات دستگیری کسانیکه مظنون به مخالفتبا رژیم شاه هستند توسط کمیته اجرائـــــی حقوق بشر گزارش و به چاپ رسیده است . در حالیکه دولـــت ایران ادعا می کند که تعداد زندانیان سیاسی در ایـــــران چیزی کمتر از هزار است . معاون کل ساواک پرویز ثابتی بــــه گزارشگران غربی گفته استکه فقط در یکی از زندانهای سیاسی ایران کهخارج از شهر اصفهان قرار دارد ۱۰۰۰ زندانـــی سیاسی وجود دارد و نیز گفته استکه ساواک تعداد قابـــــل ملاحظه‌ای از این زندانها در سراسر ایران دارد .

صحیح ترین رقم ارائه‌شده مبنی بر تعداد ماموریـــــن ساواک در ایران / ۲۰۰۰۰ می‌باشد . رقم ادعائـــــی پرویز ثابتی بین / ۳۵۰۰ تا / ۴۰۰۰ و هویدا نخست وزیـر سابق ایران تا / ۲۵۰۰ بوده است ـ رقم مورد تائید شـاه / ۱۵۰۰ نفر می‌باشد . ولی قدرت واقعی ساواک در ایـران همانند سرنوشت زندانیـان بیشمار ایرانی اسرارآمیز اسـت باید دانست که‌برای کشوری که در آن وسایل ایجاد اختنـاق این چنین گسترده و پیشرفته‌است مخالفتی این چنین اگرچـه مخفیانه بسیار نیرومند تلقی می‌گردد .

مخالفت با رژیم ایران ابعاد وسیعی دارد که در آن از چپ گرفته تا راست همه را در بر می‌گیرد . در این میان اکثریت با آن دسته از مسلمانان محافظه کاریست که با برنامه‌هـــای باصطلاح مدرنیزه کردن ایران توسط محمد رضا شاه تحـــت عنوان انقلاب سفید (ترکیبی از مدرنیزه کردن و توسعـــه اقتصادی) که خسارات زیادی به پیکر اقتصاد و فرهنـــگ کشور زده ـ مخالفت می‌ورزند .

کارشناسان دولتی و نمایندگان در جلسات کنگره اقـــرار کرده‌اند که سلسله پهلوی‌بدون دخالت قدرت نظامـــــی و تکنولوژی آمریکا که بیست و پنج سال رابطه نزدیك بین " سیا" و اداره دفاع‌امریکا با شاه‌بدان تحکیم بخشیده مضمحل خواهد شد بدین علت است که شاه و پلیس‌مخفی اش تـــوجــــه فوق العاده‌ای به رهبران مخالفین و دانشجویان تبعیـــدی در امریکا نشان داده و رهبران مخالفین در آمریکا مکـــررا" به ما‌موررین‌ساواك در درون مرزهای امریکا اشاره نموده‌اند .

بازرسی و تحقیقات وسیع نشان داده‌است که ســـاواك و ما مورینش (که در محافل پلیس‌مخفی امریکا بنام " ساواکی " مشهورند) با مصونیت‌کامل در امریکا بفعالیت‌مشغولند . از میان این فعالیتها می‌توان بموارد زیر اشاره‌نمود .

۱ ــ پرداخت یك‌میلیون دلار از حساب شخصی شاه در سوئیس توسط ساواك به کمیته انتخاباتی ریچارد نیکسون برای انتخاب مجدد نیکسون در ۱۹۷٤ .

۲ ــ استفاده از فواحش‌و مواد مخدر در پارتی های آنچنانی

که غالبا" بعضی از اعضاء کنگره د رآن شرکت د ارند ۰

۳ ــ عملیات وسیع و گسترده ، بمنظور تحت نظر گرفتن و آزار مخالفین ایرانی و آمــریکائی شاه ۰

بسیاری ازاین اعمال با تا ئید غیر مستقیم سازمان " سیا " صورت گرفته است و د رحالیکه د اد ستان کل آقای گریفین بــل از اوایــــــل سال جاری توجه هرچه بیشتــر ما مورین اف ۰ بی ۰ آی ۰ را به مسئله زیر پا گذارد ن قوانیـــن ایالات متحده ، توسط سازمانهای جاسوس معطوف نمــوده آنها با مقاومت نا چیزی که از طرف مقامات امریکائی اعمال می گرد د کماکان بعملیات خود اد امه می د هند ۰

استخدام افراد ناراضی

والاس: ما صحبت را به پلیس مخفی شاه کشاندیم کـــــه ترکیبی است از سازمان سیا و اف. بی. آی. ایران. آنها " ساواك " نامیده می شوند و به بیرحمی مشهورند. شاه اقرار نمود که مأمورین ساواك او در امریکا بفعالیت مشغولند ... آیا حضور آنها بخاطر نظارت بر اعمال دانشجویان ایرانـــی است ؟

شاه: نظارت و جاسوسی هر کس که بنحوی با انجمنهای مخالف کشور من وابستگی داشته باشد کاری که هر سازمان ـ اطلاعاتی و جاسوسی باید انجام دهد. "

شاه‌ایران ٦٠ دقیقه ٢٤ اکتبر ١٩٧٦

احمد مسن تر از سنش که ٣٠ سالهاست مینمایـــــد. پیشانی اش پوشیده از چین‌های عمیق است و موهایش کـــــه بوضوح کم شده بخاکستری زده است. چشمهایش با رطوبتـــی

که حاکی از ترس است مواظب اطراف رستورانی است که در
آنجا به ملاقاتش رفته‌ام . ترس او بیجا نیست . او یکی از
صدها ایرانی است که در مورد فعالیت‌های ایرانیان و آمریکائیان
برای ساواك جاسوسی کرده است و می‌ترسد که اگر ساواك بفهمد
او صحبت کرده جابجا کشته شود .

" من در تهران باستخدام ساواك درآمدم " احمد در
حالی که سیگار دیگری را با سیگار تمام شده قبلی اش روشن
میکرد چنین شروع به صحبت نمود " من را در یکی از مساجد
در حال گرفتن یك اعلامیه ضد شاه دستگیر کردند ... بعد
از دستگیری کارم را از دست دادم . تا ماهها هرکجا
شروع بکار کردم روز بعد بیرونم می‌کردند وهیچ دلیلی نیز
ارائه نمی‌دادند . می‌خواستم کشور را ترك کنم و به آمریکا
بیایم تا بکاری مشغول شوم ولی بمن پاسپورت و اجازه خروج
نمی‌دادند و هربار به سابقه‌ام اشاره می‌کردند . یك شاهی
پول نداشتم . بالاخره ساواك با من تماس گرفت و یکی از
ما مورینش گفت " می‌خواهی به آمریکا بروی . بسیار خوب ما به

توکمك می‌کنیم که بروی ولی باید با ما همکاری کنی " او بمن گفت که باید جاسوسی دانشجویان ایرانی در آمریکا را قبول وچاره دیگری نیز نداشتم .

" وقتی به آمریکا رسیدم در یك رستوران خیلی لوکس و گران استخدام شدم و گزارشهایم را به منصور رفیع زاده در سفارت ایران می‌دادم . او بظاهر و بطور رسمی در سازمان ملل کار می‌کند ولی در واقع یك ساواکی بسیار قدرتمند است . هروقت می‌خواست مرا ببیند از سفارت تلفن می‌شد و مردی فقط می‌گفت " بیا به سفارت " و من می‌رفتم

بعد از شما می‌پرسند که آیا خبر بد ریخوری از مشتریان شنیده‌ای یا خیر . این شبکه توسط فریوری اداره می‌شود . او یکی از ساواکی های خیلی مهم سفارت است و از همه ایرانیان در واشنگتن پرونده دارد .

توجه ساواك برای استخدام ما مورینی مثل احمد بیشتر معطوف به دانشجویانی بود که تازه وارد دانشگاه‌های آمریکا شده‌اند . بین ۲۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ ایرانی در

مؤسسات آموزشی امریکا تحصیل می‌کنند وسیاست شاه مبتنی برحمایت مادی از تعداد کثیری از این مؤسسات این سئوال و استنباط را بوجود می‌آورد که مؤسسات مزبور بمنظور اخذ پول بیشتر بطور ضمنی تفتیش دانشجویان ایرانی را تائید و تقبل نموده‌اند . گزارشات منتشر شده درمورد رضا زنجانی‌فر خطرات چنین قراردادهای شرم آوری را که ناشی از این نوع حمایت‌های مادی است روشن می سازد .

زنجانی‌فر که در ابتدا یکی از دانشجویان بیطرف دانشگاه جرج واشنگتن بود طی اولین و تنها تظاهراتش علیه رژیم در مارس ۱۹۷٦ توسط ساواك بوسیله عکس شناسائی گردید . در ماه اوت همان سال استاد راهنمای وی بنام پرفسور فیلیپ . د . گراب که آمریکائی است از طرف سفارت به زنجانی فر اطلاع داد که بورس تحصیلی وی قطع گردیده است . مقامات دانشگاه درمورد نقش گراب بعنوان پیام آور سفارت اظهار بی اطلاعی کردند ولی او بعنوان پرفسور آریامهر در مدیریت چند ملیتی شغل خود را مدیون کمک‌های

مادی شاه به دانشگاه جرج واشنگتن بود و همیشه به روابط حسنه خود با اعضاء کابینه‌ایران می بالید .

تلفن‌های نـاشناسی دربی قطع بورس‌زنجانی‌فر بـه وی می شد که طی‌آن شخص‌می گفت " اگرمی‌خواهی بخشوده شوی نام دوستانت را بتفصیل بنویس‌وگزارشی درمورد همه ملاقاتهائی که‌رفته‌ای وافرادی را درجلسات دیده‌ای تهیه کن . "زنجانی فرقبول نکرد . تلفنها ادامه یافت . " اگر می‌خواهی بورس‌تحصیلی‌ات دوباره برقرارشود باید با ساواك همكاری كنی باید بداخل گروههای ایرانی دانشگاه خودت نفوذ کنی و درباره‌آنها گزارش دهی . زنجانی‌فر باردیگرمخالفت نمود . ساواك تا دوماه بعد از این موضوع‌سه‌باردیگرسعی کرد باوی تماس‌برقرارکند . اما زنجانی فرکماکان مخالفت نمود . دراینکه ساواك فعالانه دربی استخدام هرچه بیشترماموربن بوای جاسوسی علیه مخالفین رژیم‌ایران است تردیدی وجود ندارد . اسناد مهمتری که دربی حمله دانشجویان‌ایرانی به کنسولگری ایران

در ژنو بدست آمده حاکی از این است که تجسس محرمانه خانه ـ های مخالفین یکی دیگر از روش های عمومی ساواک هستند .

یکی ازمدارك بدست آمده که مُهر " محرمانه" دارد تلگرافی است که از مقر فرماندهی ساواک در ژنو بدین مضمون مخابره گردیده قبل از ورود مخفیانه به خانه های مخالفین نقشه عملیات (اطلاعات کامل درباره موضوع محل زندگی شخص ساعات ورود و خروج او از منزل، خیابانهای اطراف و موقعیت آنها برای خروج در صورت بروز حوادث پیش بینی نشده وغیره) باید کاملا" مشخص گردد . خواهشمند است به مامورین خود توضیح بدهید که در آینده برنامه کامل چنین تجسس هائی باید قبلا" به سازمان مرکزی ارائه گشته اجازه لازم کسب گردد .

این تلگراف توسط پرویز ثابتی معاون کل ساواک امضاء گشته و دو صفحه دستورالعمل در مورد چگونگی نمونه برداری از کلید با استفاده از ماده ای بنام " پلاتیلین " و ساختن کلید های جدید و همچنین وسایل مختلف بازکردن قفل ها

به ضمیمه آن می باشد . "اگرشما عکسهائی از قفل ها وکلید ـ های مختلف یا نمونه‌های کلید بفرستید راهنمائی های مختلفی بعمل خواهد آمد ... "

مدارك ذیل نیز موید اظهارات احمد درمورد استفاده ازماموریس "تحریك کننده" ساواك علیه گروههای مخالف می باشد . تلگرافی که مهر"بسیارمحرمانه" دارد وبامضاء پرویز ثابتی رسیده چنین می گوید شما باید این اختلافات را تشدید کنید (اختلافات مابین گروههای مخالف بهرطریق که ممکن باشد تا حدی که آنها بهجان‌هم بیافتند) .

"درتلگراف دیگری به ماموریس ساواك درسراسر دنیا مخابره شده تا تمام اطلاعات ممکن درا درباره "تظاهرات مخالفین ایرانی اعتصاب‌ها تلفنهای دانشجویان به سفارتها وکنسولگریها برپا کردنجلسات انتشارنشریه‌ها ومجلات وقراردادها وسمینارها وهمچنین فعالیتهای دانشجویان موافق رژیم "بدست آورند . گزارشات می بایست توسط پست دیپلماتیك بتهران ارسال گردد .

پروفسور ریچارد ۰ کوتام یك متخصص ایرانی الاصـــــل در دانشگاه پیتسبورگ وکارمند سابق وزارت خارجه در تهـران درباره این مدارك چنین می گوید " اگرچه این مداریك همـه درژنو پیدا شده ولی مشخصاتی دارند که نشان می دهد که در تمام دفاتر نمایندگی قابل اجرا بوده است ۰ صحت آنهـا غیر قابل انکار است ۰

موید میزان این آزارها و بازجوئی ها در ایالات متحـــده یك سری وقایعی است که در اواخر سال ۱۹۷٦ در شمـــال ایالت نیویورك بوقوع پیوست ۰ دانشجویان ایرانی که از خبـر خرید یك مزرعه بزرگ " در بونویل " توسط مقامات ایرانی مطلع شده بودند برای دیدن مزرعه که صاحبانش آنرا" بزرگتریـــــن مزرعه پرورش دام " می نامند بآنجا روان شدند ۰ درمیـــــان خریداران مزرعه که بنام مزرعه سهامی منصور معروف شده بـود نام هوشنگ نامور تهرانی نیز بعنوان یك دکتر داروســـــاز ل ۰ب ۰ری بچشم می خورد ۰ تهرانی درضمن شوهر خواهـــر منصور رفیع زاده می باشد گفته می شود که رضابراهنی شاعر و

نویسنده مخالف دولت ایران در آوریل ۱۹۷۷ به ما موریـــن تحقیق سنای آمریکا گفته است که تصور می کند تهرانی یکـــی از ساواکی هائی باشد که او را در زندان ایران مورد شکنجـــه قرار داده اند مخالفین ایران اعلام نمودند که ساواک مزرعـــه "بونویل" را برای ایجاد یک مرکز شکنجه در امریکا خریداری کرده است . در آن زمان دلایل کافی برای اثبات این مدعـــا وجود نداشت .

اکنون به هر صورت ساواکی های سابق ومنابع دولتی امریکا ماجرای پشت پرده مزرعه بونویل را افشا نموده اند . برطبـــق گزارش این منابع تهرانی مزرعه مزبور را با پول ساواک که توســط رفیع زاده تهیه گردیده بود خریداری نمود . قرار بود از ایـن محل بعنوان مرکزی برای اجرای پروژه عملیات "امریکا ـ کانادا" (بایگانی پرونده های مخالفین ایرانی و آمریکائی شاه با استفادهٔ از سیستم های مدرن کامپیوتری و نیز مرکز ارتباطات جهـــت ایجاد تماسهای فوری بین پایگاه های ساواک و دفتـــر فرماندهی در تهران) استفاده شود . برای خرید وسایـل

الکتریکی مورد لزوم با مؤسسه بین المللی " راك‌ول " تماس‌های اولیه برقرار شده بود (سخنگوی مرکز راك ول از اظهار نظر خودداری کرد) وقتی وجود چنین مزرعه‌ای به اطلاع عموم رسید تهران با انجام پروژه فوق مخالفت نمود .

پذیرائی از شخصیت‌های مهم کنگره امریکا

ماههاست که شایعاتی درمورد استفاده از حربه سکس و تریاك درمنزل خیابان ماساچوست اردشیر زاهدی سفیر ایران برای جلب سیاستمداران متنفذ آمریکائی ورد زبان محافل واشنگتن است . این داستانها با شهرت زاهدی درعیاشی ارتباط مستقیم دارد .

ولی بهرحال اطلاعاتی دردستاست که ترتیب دهنده بسیاری از این پارتی ها منرچهر اردلان کاردار رسمی سفارت درزمینه اخبار و اطلاعات می باشد که طبق اطلاعات موثق یکی از ماموربن بلند پایه ساواك درواشنگتن است . طبق اظهارات شواهد دراین مهمانیها علاوه بر ماموربن بلندپایه

ساواك بعضی اعضاء کنگره امریکا نیز شرکت داشته‌اند و مرتکب اعمالی شده‌اند که می‌تواند موقعیت آنها را بطور جدی بخطر بیاندازد . "چیزی بود شبیه به شبهای عربی " این خاطرات یك کارد ار سفارت است که در اکتبر ۱۹۷۷ شاهد عینی یکی از این میهمانیها در محل اقامت سفیر بوده است ." خاویار در کاسه‌های کریستال و شراب و انواع مشروبات در گوشه وکنار بچشم می‌خورد . بعد از ساعتی معارفه زاهدی به جوانی که محافظش بود دستور داد تا منقل تریاك وحشیش را بیاورد . همه دور هم و روی مخده لم داده بودند و وافور تریاك را بهم رد می‌کردند . بعد از مدتی زاهدی به یکی از زنان مجلس (آنها اغلب فاحشه بودند که معمولا" اردلان آنها را پیدا می‌کرد ولی بعضی نیز از کارمندان سفارت بودند) می‌گفت که برقصد . او در جمع شروع به رقصیدن ولخت شدن می‌کرد درحالیکه ایرانیها ومهمانها تماشا می‌کردند وجملات رکیك و زننده به زبان می‌آوردند وقتی کار زنك تمام می‌شد مردها خودشان را روی زنها میانداختند

و برای بقیه‌شب به اعمال جنسی مشغول می‌شدند . زاهـدی مرد یست بدون فرهنگ وبدون انسانیت .

ساواکی هائی که اغلب در این میهمانیهای بیشرمانـه شرکت می‌کردند منصور رفیع‌زاده و منوچهر اردلان ،ناصـر گوشبیگی وغلام کاظمیان بودند . یکی از شاهدان ماجـرا از سناتور یک ۱ ایالت شرقی و نماینده یک ایالت مرکزی غربـی بعنوان میهمان نام برده‌است .

" دریکی از پارتی هائی که من حضور داشتم نماینـده کنگره ال‌ف را دیدم اومیهمان افتخاری بود ودرکنارزاهدی نشسته‌بود " این منبع می‌گوید " او تریاك نکشید ولی از حشیش محافظ زاهدی کمی کشید . زاهدی زنهای مجلس را بنوبـت جلوی اورژه برد وانتخاب اول را به‌او محول کرد . او یکـی اززنان ایرانی را انتخاب کرد . من شاهد اعمال جنسـی آنها بودم .

دریك میهمانی دیگرسناتورب را دیدم که با زاهـدی تریاك می‌کشید . بعد ازمدتی که ازشب گذشت مشاهـده

کردم که او با دو زن فاحشه در آن واحد مشغول معاشقه واعمال جنسی است . " نماینده کنگره و سناتور مزبور مرد د و اتهامات فوق را رد کردند . ولی زمان دیگری که بطور جداگانه با آنها تماس برقرار گردیده اظهارات فوق را تائید نموده اند .

یك سلسله وقایع بهنگام تهیه مقدمات چاپ این مقاله بوقوع پیوست . دو ساعت پس از اینکه مخبر این مقاله را با نماینده کنگره ال ف صحبت نمود یکی از منابع مجله که کارمند سفارت بود به مجله تلفن زد و گفت که سفارت از ماجرا مطلع شده و یك ماٴمور عالیرتبه ساواك دستور داده که جلسه فوق العاده ای در این مورد در ساعت ۸/۵ روز بعد در محل سفارت تشکیل شود . منبع مذکور از مخبر تقاضا کرد که دیگر هرگز با او تماس برقرار نکند و گوشی را گذاشت . منابع دیگر در اطراف ساواك تائید نموده اند که از تمام ماٴمورین ساواك در این مورد که آیا مخبر مزبور با آنها تماس گرفته یا نه بازجوئی بعمل آمده . منبع مذبور در ساعت ۸/۵ روز بعد به رئیس ساواك تلفن

نمود باو گفته شد که درجلسه‌است و با کسی صحبت نخواهد کرد .

یك هفته بعد منوچر اردلان مامور ساواك که گفته شد برای سناتور و نماینده کنگره زن فاحشه می‌آورد بطور ناگهانی بعد از پنج سال کار در سفارت ایران در واشنگتن بعنوان کنسول به سانفرانسیسکو فرستاده شد . یکی از منابع نزدیك به زن اردلان می‌گوید که وی گفته‌است همه چیز چنان بسرعت اتفاق افتاد که ما فرصت بستن چمدان هم نداشته‌ایم . معلوم نیست که آیا این انتقال فوری با مقاله این مجله ارتباط مستقیم دارد یا خیر ولی قدر مسلم این است که چنین‌انتقال سریعی عادی نبوده‌است .

خطری که شرکت‌اعضا کنگره در این میهمانیها ی ایرانی سکس‌ومواد مخدر بوجود میآورد بیش‌از آنکه اخلاقی باشد سیاسی است . حداقل مسئله‌این‌استکه اعمال آنها راه معامله را برای ساواك‌بازمی‌کند . استفاده از سکس برای درگیر نمودن و گرفتن حق سکوت حربه‌ایست که‌سازمانهای اطلاعاتی

وجاسوسی مدتهاست از آن برای تطمیع و جذب ما مورین بیشتر و بخصوص‌ها نفوذ استفاده می‌کنند .

سناتور و نماینده کنگره به شهادت آرائی که در جلسات داده‌اند هر دو از موافقین بدون قید وشرط حکومت ایران بوده‌اند بنابراین این سئوال که آیا ارتباطی بین افراد مزبور در مورد توجه ساواك و شرکت آنها در مجالس میهمانی وجود دارد کاملا" موافق بنظر می رسد .

بهرحال مدارك دیگری دال بر روابط نزد یك ساواك با سیاستمداران آمریکائی وجود دارد که بمراتب خطرناك‌تر است مدارکی که حکایت از خریداری حمایت یکی از روٴسای جمهور امریکا توسط شاه و پلیس مخفی اش دارد .

در اوایل سال ۱۹۷٤ طی یکی از عملیات ساواك مبلغ یك میلیون دلار از حساب شخصی شاه در بانك سوئیس از طریق " سیتی بانك مکزیکو " یا مکزیکو سیتی بانك به کمیته انتخاباتی پرزیدنت نیکسون پرداخت شد . تلگرافی که از منابع بانکی مخابره شده نشان می دهد که چنین انتقالی صورت گرفته

است . یکی از افرادی که در جریان ماجرا قرار داشته چنین می گوید " در فوریه یا مارچ ۱۹۷۴ مبلغ یك میلیون دلار از حساب شخصی شاه در بانك شوایتزریشکه بانکرلشافت " به بانك در مکزیکو - مکزیکو سیتی منتقل شد . سفیر ایران در مکزیکو امیر اصلان افشار که در آن زمان سفیر ایران در امریکا بود برای دریافت وجه به بانك مراجعه نمود . یکی از کارمندان وی که او را همراهی می کرد پول را بمحل سفارت در واشنگتن رساند . افشار پولها را در دفترش شمرد و آن را در یك کیف دستی جای داد . سپس او و مخاطبش به کمیته انتخاباتی رفته و مبلغ مزبور را به مسئولین آن دادند . دقیقا " نمیدانم چه کسی . " شاهدی می گوید که وقتی افشار سفیر ایران ماجرا را برای گروهی از ایرانیان سفارت تعریف می کرده گفته است " حالا ما صاحب نیکسون هستیم " .

رابطه خاص "سیا"

ما بـــــا اعمـــــال آنها (ساواکی ها) درآمریکـــــا موافقت نمی نمائیم " .

رئیس سیا استانلی ترنرمارچ ۱۹۷۷

بر اساس موافقتنامه دوجانبه امنیتی در ســـــال ۱۹۵۹ بین ایران و ایالات متحده امریکا نوعی موافقت ضمنی در مــــــورد عملیـــــات ما در کشـــور شمـــا و بالعکـــس بیـــــن دو دولت وجود دارد . مـــــا موافقیم که درمورد مطـــالب امنیتی مـــــــــورد توجـــه هر دو کشـــور اطـــلاعاتـــــی رد و بـــــدل نمائیـــم ....

سازمان " سیا " در این مسائـــــل بسیار بیـــــدار بوده است "

منوچهر اردلان سفارت ایران کاردار قسمت اخبار و اطلاعات ۲۶ جولای ۱۹۷۸

قبول این واقعیت از طرف شاه (طی مصاحبه‌اش با مایك والاس در اکتبر ۱۹۷٦) که ماموریـن ساواك در خاك امریکا با آگاهی و تائید مقامات امریکائی به فعالیت‌مشغولند موجب شد تا یك مشاور رئیس جمهور، یك سخنگوی کاخ سفید و یك‌رئیس سازمان سیا دروغگو جلوه کنند .

در یك کنفرانس‌مطبوعاتی در ۲۷ اکتبر ۱۹۷٦ هنری کیسینجر که در آنموقع مشاور رئیس‌جمهور امریکا بود اینطور جواب داد "این صحت ندارد که ایالات متحده از عملیات ماموریـن اطلاعاتی ایران در خاك آمریکا یعنی جاسوسی و آزار مخالفینی که در آمریکازندگی می‌کنند بی اطلاع است" و اعلام‌کرد که کمیته‌ای از کاخ سفید ما مور رسیدگی به‌این جریانات خواهد شد .

دوازده‌روز بعد آلفرد. ال . آترتون معاون کیسینجر در امور خاور نزدیك و آسیای جنوبی بملاقات اردشیر زاهدی رفت و به او اعلام نمود که ایالات متحده هیچ نوع عمل

غیرقانونی ساواك را درآمریکا تحمل نخواهد کرد . یک سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد که هیچ دلیلی مبنی بر صحت " تهمت های وارده در مورد اعمال غیر قانونی وجود ندارد و سفارت ایران به ما اطمینان داده که هیچکدام از مقامات ایرانی مرتکب چنین اعمالی نمی شوند " توضیح رسمی . شاه اشتباه کرده است . پرونده بسته شد . "

بموجب قانون آزادی اطلاعات تقاضای یك کپی از گزارش کیسینجر شده بود . این تقاضا از طرف مقامات کاخ سفید رد شده . اما بهر صورت مدارك مستدل دیگری مبنی بر ارتباط بین کاخ سفید و سازمان‌های دیگر امریکائی با دولت ایران در عملیاتی که علیه یك تبعه امریکا صورت گرفته بدست آمده است . ناصر افشار که از سال ۱۹۵۰ به تابعیت امریکا درآمده است یکی از مخالفین ایرانی است و نشریه‌های تحت عنوان " اخبار آزاد ایران " منتشر می‌کند . مدارکی که وی تحت حمایت قانون آزادی اطلاعات بدست آورده مبین همکاری بین کاخ سفید و ساواك در زبان تصدی

هنری کیسینجر می باشد ۰

یکی از مدارك تحت عنوان "محرمانه" تلگرافی است که از سفارت امریکا در تهران در تاریخ می ۱۹۷۲ سه سال قبل از تکذیب کیسینجر به وی ارسال گردیده‌است ودر آن تقاضا شده‌که اطلاعات بیشتری در مورد ارجاع کارتمدید پاسپورت افشار به دولتایران ارائه شد ۰ چهار قسمت این تلگراف حذف شده وبقیه چنین‌است ۰

۵ ــ (رئیس‌عملیات اجرائی) اظهارداشت که سفارت بطور کلی از فعالیتهای افشار در آمریکا از جمله انتشار نشریه "اخبارآزاد ایران" اطلاع‌دارد وبراین عقیده است که متاءسفانه فعالیتهای وی دربرانگیختن احساسات ضد رژیم ایران در آمریکا بسیار موءثراست ۰ درواقع طی دوسال گذشته سفارت چندین باراین سئوال را مطرح نموده که‌آیا راهی برای جلوگیری از انتشار "اخبارآزاد ایران" وجود دارد یا خیر ۰ دراین مورد تحقیقات دقیقی صورت گرفت ولی حقوقدانان نتیجه گرفته‌اند که متا سفانه براساس

قوانین آمریکا این عمل ممکن نیست • اما در مورد پاسپورت آمریکائی سفارت از این موضوع اطلاعی نداشته و در این مورد از کاخ سفید دقیقا سئوال خواهد نمود •

۶ ـ (وجود در پرونده‌های سفارت ـ تهران ۲۹۳۲ ژانویه ۱۹۷۶) توضیح اینکه افشار در ۱۹۷۶ پاسپورت آمریکائی داشته‌است • تمام

۷ ـ اظهار نظر در مورد این مسئله : این طور بنظر می‌رسد که دولت ایران مایل است باطلاع برساند و من غیرمستقیم پیشنهاد کند که ما هرچه بیشتر عوامل مخالف شاه را در امریکا تصفیه نموده از ایجاد هرگونه تظاهرات ضد شاه درحین دیداروی از آمریکا جلوگیری بعمل آوریم •

۸ ـ عملیات مورد درخواست : تمام اطلاعات مربوط به شرایط صدور گذرنامه جهت افشار که بتوان بدولت ایران مسترد داشت •

مدرك فوق توسط ریچارد هلمز سفیر وقت امریکا در ایران و رئیس سابق "سیا" فرستاده شده •

دستورالعمل هائی که در اول تلگرام وجود دارد نشانگر دخالت سازمانهای دیگری نیز در این ماجراها می باشد .
کپی های این تلگرام بهسیا ، سازمان دفاع، سازمان امنیت ـ ملی ، سازمان اطلاعات آمریکا و شورای امنیت آمریکا ارسال شده است .

طبق گزارش منابع موثق " روابط خاص بین سازمانهای دولتی آمریکا و ساواك تا این زمان ادامه دارد . هیچ دلیلی بهتر از ادامه ارتباط سیا با سرویس اطلاعاتی ایران نیست .

از بدو شروع کار ساواك در ۱۹۵۹ " سیا " به تجهیز ، تربیت و راهنمائی ما مورین ساواك مشغول بوده است . یک سخنگوی کاخ سفید تائید نمود که ۱۲۵ ساواکی در حال حاضر مشغول گذراندن دوره تعلیماتی در مرکز " سیا " در مك لین ـ ویرجینیا می باشند . پنج سال پیش متوسط این رقم ۴۰۰ نفر در سال بود . مقامات " سیا " از اظهار نظر خود داری کرده اند .

در وزارت دادگستری امریکا اخیرا" نسبت به اعمال ساواك در امریکا حساسیت‌هائی دیده می شود . معاون کل دادستان می گوید که دادستان کل آقای گریفین بل در اوایل سال جاری دستور داده است تا در مورد اعمال بظاهر " سازمان‌های جاسوسی دوستانه " در آمریکا تحقیقاتی صورت گیرد . بدین منظور تحقیقاتی در زمینه اتهامات وارده مبنی بر اینکه سفارت ایران در نوامبر ۱۹۷۷ بتظاهر کنندگان موافق شاه در واشنگتن پول هتل و بلیط هواپیما داده است در جریان است . اگر اتهامات وارده درست باشد عملیات بر اساس قانون ثبت سازمانهای خارجی قابل تعقیب میباشد .

از طریق منابع مختلف اطلاعاتی از سازمان داخلی ساواك بدست آمده است . این اطلا ات مورد تائید ما مورین قبلی ساواك مخبرین معتبر غربی اعضاء قسمت روابط خارجی سنا و منابع کاخ سفید و نیز اف . بی . آی قرار گرفته است هیچگونه خبری تا چندین بار مورد تائید قرار نگرفته در این مقاله گنجانده نشده است .

ریاست ساواک در آمریکا بعهده منصور رفیع زاده است که رسما فرستاده ایران بسازمان ملل می باشد . منابع موثق او را موجودی بیرحم و حسابگر می شناسند مردی که زیردستانش را در ترس و وحشت نگاه می دارد و کنترل شبکه ساواک در اختیار دارد . او دوست ندارد آفتابی شود و در بسیاری از برنامه های سفارت از بدل خود استفاده می کند .

رفیع زاده ریاست کمیته امنیت ساواک را در آمریکا بعهده دارد و دستگاهی که مسئول انتخاب عملیات و ارائه طریق آنها در سراسر آمریکاست . اعضاء دیگر این کمیته عبارتند از احمد مشرق زاده مشاور سیاسی سفارت در واشنگتن دی سی، محمد فرزانه یک کاردار سفارت ، فیروز پارسی و بهمن اسفندیاری که هردو نماینده ایران در سازمان ملل می باشند .

در سفارت ایران در واشنگتن دی ـ سی تشکیلات ساواک به چهار قسمت تقسیم شده است : امور مالی ـ رابط ـ خبری و جاسوسی در مورد گروههای مخالفین ـ رابط سیاسی

- رواد يد .

امور مالی مسئول پرداخت وجوه بمامورین ساواك ومنابع وابسته (سیاستمداران آمریکائی از جمله اعضاء کنگره) است این اعضا عبارتند از یوسف اکبر رئیس اقتصاد و نفت . سرهنگ فریوری که ماموریرداخت وجوه به ماموریین و جاسوسین است . ملکتاج جوان یك منشی سفارت .

قسمت رابط خبری و جاسوسی در مورد گروههای مخالف عهده‌دار بررسی جراید و اخبار آمریکاست و بخصوص اظهار نظرهای مختلف در مورد ایران فعالیت گروههای مخالف مورد توجه این قسمت است ریاست این قسمت با منوچهر اردلان کاردار قسمت خبری و اطلاعات سفارت می باشد . همکاران او در این قسمت نصرالله سلطانی و فرهاد وکیل هستند .

کنگره و کاخ سفید هدفهای اصلی قسمت رابط سیاسی است که بوسیله گوش بیگی مشاور سیاسی سفارت اداره می گردد هدفهای دیگر عبارتند از اداره انرژی - بازرگانی

وخزانه داری . همکاران گوش‌بیگی در این قسمت زاهد دادش‌رشیدی وعبدل . ك . ادیب پور هستند .

قسمت روادید (ویزا) توسط دکترغلام کاظمیان رابط فرهنگی‌سفارت‌انجام می‌گیرد . منابع موثق می گویند که او لیست‌کاملی از اتباع‌آمریکائی که‌نباید ویزای ایران بآنها داده شود و نیز ایرانیان که گذرنامه آنها بنباید تمدید گردد دارد . هرگاه یك تبعه آمریکا از سفارت‌یا یکی از کنسولگریهای ایران تقاضای ویزا نماید ا نام او درلیست کاظمیان جستجو خواهد شد . همکار کاظمیان انوشیروان اشرف کنسول فرهنگی است .

هرکدام از کنسولگری‌های‌ایران درآمریکا دارای یک پایگاه ساواك هستند که توسط کمیته‌امنیت کنترل می‌گردند . درکنسولگری‌ایران درنیویورك پایگاه ساواك توسط پارسی واسفندیاری اداره‌می‌گردد . دیگر ساواکی های آنجا عبارتند از ضیاء نیاورانی ومختار سعیدی هردو در سازمان ملل می‌باشند ونیزمحمد رضا مجتهد زاده که معاون

کنسول است .

در هوستون ما مورین ساواك یعنی حسین حاجی جعفری
وحمید پرویز هرد و معاون کنسول و زیر حمایت کنسولگری
قرار دارند .

کنسولگری ایران در شیکاگو نیز پایگاه عملیات عباس ـ
شریفی تهرانی ومحمدعلی ایزدی سراج که ساواکی هستند
می باشد .

مجله نیویورک ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸

* * * *



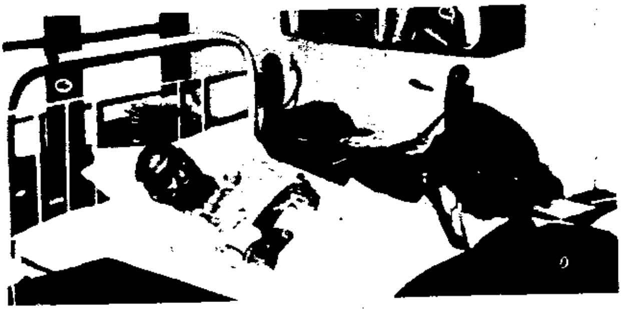
rent toutes les statues du shah. Et puis, subitement, l'opposition à Mossadegh se raffermit. L'armée commença à rafler les manifestants. Au début de la journée du 19 août, Roosevelt, de sa cachette, donna l'ordre à ses agents iraniens de faire descendre dans la rue tous les partisans du shah qu'ils pourraient trouver.

Les agents se rendirent dans les clubs sportifs de Téhéran et rassemblèrent un étrange assortiment de gymnastes, de lutteurs et d'haltérophiles. Un cortège se forma et s'engagea dans le Bazar en criant des slogans favorables au shah. La foule grossit rapidement le cortège. Vers le milieu de la matinée, il était clair que le courant avait tourné contre Mossadegh et que rien ne pourrait l'arrêter.

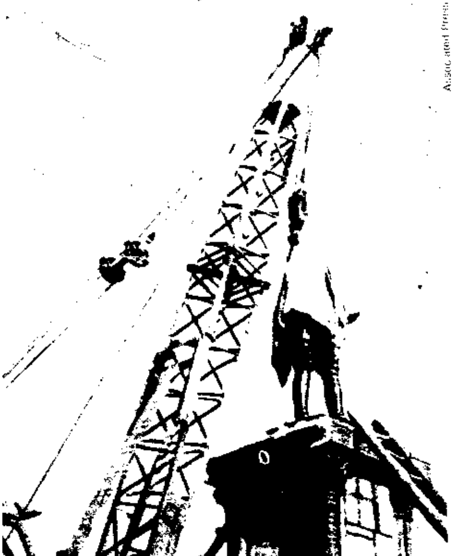
Zahedi, alors, sortit de sa cachette et prit le pouvoir. Mossadegh fut jeté en prison, les dirigeants du Tudeh exécutés.

Dans la suite, les Anglais perdirent leur monopole sur le pétrole iranien. En août 1958, un consortium international de compagnies pétrolières occidentales signa avec l'Iran un accord pétrolier de vingt-cinq ans.

Mossadegh deux jours avant d'être renversé. Il se prétendait plus malade qu'il ne l'était pour apitoyer ses interlocuteurs.



La chute de Mossadegh entraîne le retour de la statue du shah. Elle avait été jetée à bas par les partisans de Mossadegh.



Les Etats-Unis n'ont jamais reconnu officiellement, bien entendu, le rôle de la CIA dans cette affaire. Dans une interview télévisée de la CBS, en 1962, après qu'il eut été mis à la retraite, on demanda à Dulles s'il était exact que « les gens de la CIA avaient dépensé des millions de dollars pour embaucher des Iraniens, provoquer des émeutes dans la rue, et liquider Mossadegh ».

— Eh bien ! répondit Dulles, je peux dire que l'allégation que nous avons dépensé beaucoup de dollars est complètement fausse.

L'ancien chef de la CIA fit également allusion au rôle de la CIA en Iran dans son livre *The Craft of Intelligence :* « ...Un soutien de l'extérieur fut donné... aux partisans du shah », écrivit-il, sans préciser que ce soutien provenait de la CIA.

DAVID WISE ET THOMAS ROSS



Le général Fazollah Zahedi (à g.), l'homme du shah et de la CIA. Il succédera à Mossadegh.



En confisquant la très grosse raffinerie d'Abadan en 1951, Mossadegh avait provoqué le mécontentement de milliers d'ouvriers. Il avait dû envoyer la troupe.

ATTAQUE ET CONTRE-ATTAQUE

technologie. C'est à Harvard qu'il se maria. Il quitta l'enseignement pour servir à l'OSS, puis rallia la CIA après la guerre comme spécialiste du Moyen-Orient. Son père était mort en Alaska pendant la guerre ; son oncle, le brigadier général Theodore Roosevelt, trouva la mort un an plus tard sur les plages de Normandie.

Les gouvernements anglais et américain avaient décidé ensemble de monter une opération destinée à renverser Mossadegh. La CIA estimait qu'elle réussirait parce que les circonstances étaient favorables ; au moment décisif, le peuple d'Iran serait fidèle au shah. Kim Roosevelt, alors « opérateur chef » de la CIA au Moyen-Orient, reçut mission d'organiser le coup.

Roosevelt pénétra légalement en Iran. Il franchit la frontière, arriva à Téhéran et, comme par enchantement, disparut. En effet, ce n'était pas la première fois qu'il venait en Iran, et il courait le risque d'être reconnu. Déplaçant son quartier général à plusieurs reprises, pour dépister les agents de Mossadegh, Roosevelt opéra tout à fait en dehors de la protection de l'ambassade américaine. Il fut, par contre, aidé par cinq ou six Américains, dont deux ou trois hommes de la CIA en poste à l'ambassade, ainsi que par sept agents locaux, dont deux grands spécialistes du Renseignement iranien qui communiquaient avec lui par des intermédiaires et qu'il ne vit pas une seule fois pendant toute l'opération.

Tandis que s'élaboraient les plans de la révolte, le brigadier général H. Norman Schwarzkopf arriva à Téhéran. Il était surtout connu pour sa participation à l'enquête sur l'enlèvement du bébé Lindbergh ; c'était en 1932, et Schwarzkopf dirigeait la police de l'Etat de New Jersey. Puis il s'était fait entendre à la radio américaine dans une série d'émissions contre les gangsters. Enfin, dans les années 1940, il avait réorganisé la police du shah. C'était un ami de longue date du général Zahedi, et Schwarzkopf pouvait sans mentir dire qu'il venait en Iran pour « revoir de vieilles connaissances ». Pourtant, il participa directement à l'opération.

des émeutes provoquées

Le 13 août, le shah signa un décret révoquant Mossadegh et nommant Zahedi Premier ministre. Mossadegh réagit immédiatement en faisant arrêter l'infortuné colonel qui lui apportait le décret lui signifiant son congé. Des émeutes éclatèrent dans la ville ; le shah (qui avait trente-trois ans) s'enfuit de son palais sur la mer Caspienne. Soraya l'accompagnait. Ils gagnèrent Bagdad par avion.

Pendant deux chaotiques journées, Roosevelt perdit tout contact avec ses deux principaux agents iraniens. Le shah maintenant se trouvait à Rome. Allen Dulles y arriva aussitôt pour conférer avec lui. La princesse Ashref, sœur jumelle du shah, essaya de jouer son rôle dans cette conspiration internationale, mais le shah refusa de la recevoir.

A Téhéran, la rue appartenait aux émeutiers communistes qui déboulonnè-

CONTRE MOSSADEGH





Associated Press

دکتر محمد مصدق

DAVID WISE ET THOMAS ROSS

Le renversement de Mossadegh (ici, face au tribunal qui le condamnera à trois ans de détention) est un des « coups » les plus réussis de la CIA. Pour le mener à bien, son chef d'orchestre, Kermit « Kim » Roosevelt (à gauche) eut recours à la rue.

Zahedi, les agents anglais proclamèrent qu'ils avaient trouvé dans sa chambre à coucher une collection d'armes automatiques allemandes, un maillot de corps en soie, de l'opium, des lettres de parachutistes allemands opérant dans les montagnes et un album illustré des plus exquises prostituées de Téhéran.

Après la guerre, Zahedi revint promptement à la vie publique. Il était ministre de l'Intérieur quand Mossadegh fut nommé Premier ministre en 1951. Mossadegh nationalisa l'Anglo-Iranian Oil Company, qui appartenait aux Anglais, et il confisqua la très grosse raffinerie d'Abadan sur le golfe Persique.

La raffinerie fut fermée ; des milliers d'ouvriers se trouvèrent sans travail et l'Iran affronta une crise financière. Avec l'appui des gouvernements occidentaux, les Anglais boycottèrent le pétrole iranien, et, sans les techniciens anglais, les ouvriers locaux furent incapables de faire marcher à plein rendement les raffineries.

Mossadegh était de connivence avec le Tudeh, c'est-à-dire avec le parti communiste iranien. Londres et Washington craignirent que les Russes ne missent un terme à la crise en faisant couler vers l'Union soviétique (laquelle a une frontière commune avec l'Iran) les immenses réserves de pétrole de l'Iran. Dirigeant l'affaire de son lit (il affectait de se faire prendre pour un grand malade), Mossadegh avait rompu avec Zahedi, qui regimbait contre la tolérance dont bénéficiait le parti Tudeh.

la mission de « Kim » Roosevelt

Voilà le fond du décor à l'ombre duquel la CIA et Kim Roosevelt œuvrèrent pour chasser Mossadegh du pouvoir et le remplacer par Zahedi.

A l'époque du coup d'Etat, Roosevelt avait trente-sept ans et était déjà un vétéran du Renseignement. Il était né à Buenos Aires. Son père, fils ruiné du président Theodore Roosevelt, s'appelait également Kermit. Kim fut diplômé de Harvard juste avant la seconde guerre mondiale ; il enseigna l'histoire d'abord à Harvard, puis à l'Institut californien de

KIM ROOSEVELT



Photos Keystone



کیم روزولت

Un des plus brillants succès de la CIA et des meilleurs témoignages de la portée politique de ses interventions, au temps d'Allen Dulles tout au moins, fut son rôle dans le coup d'Etat qui, en 1953, renversa le Premier ministre iranien Mossadegh et sauva le trône du shah Reza Pahlevi. Selon David Wise et Thomas B. Ross, auteurs du Gouvernement secret des USA **(Fayard), il fut entièrement organisé par elle avec l'aide des Britanniques.**

Le coup d'Etat qui renversa le gouvernement iranien fut conduit par un agent de la CIA qui était le petit-fils du président Theodore Roosevelt.

Plus de dix ans après l'opération spectaculaire qu'il mena à Téhéran. Kermit « Kim » Roosevelt, cousin au septième degré du président Franklin D. Roosevelt, est encore connu sous le nom de « Mr. Iran » dans les milieux de la CIA. Il entra, par la suite, à la Gulf Oil Corporation comme directeur des « relations avec le gouvernement ». La Gulf le nomma vice-président en 1960.

Une légende, qui prit naissance à l'intérieur de la CIA, voulait que Roosevelt, dans la grande tradition des Rough Riders, eût dirigé la révolte contre le pleurnichard Mossadegh en braquant un pistolet sur la tête d'un officier de chars iraniens quand la colonne blindée s'engagea dans Téhéran.

Un homme de la CIA, qui connait bien l'histoire iranienne, disait de cette légende qu'elle était « un peu romantique », mais il ajoutait :

— Kim a effectivement dirigé l'opération, mais il avait son PC dans une cave et pas à l'ambassade américaine. Ce fut vraiment un coup à la James Bond ! soupirait-il avec admiration.

un personnage de roman

Le général Fazollah Zahedi (1), que la CIA choisit pour remplacer Mossadegh, était aussi un personnage digne des romans d'espionnage. Mesurant un mètre quatre-vingt-cinq, bel homme, il avait été un bourreau des cœurs, s'était battu contre les bolcheviks, avait été capturé par les Kurdes et, en 1942, kidnappé par les Anglais qui le soupçonnaient de participer à des intrigues nazies.

Pendant la seconde guerre mondiale, les Anglais et les Russes occupèrent l'Iran en commun. Après avoir enlevé

(1) Il mourut le 3 septembre 1963, à l'âge de soixante-sept ans.

قیمت ۵۰ ریال

شماره ثبت ۷۲۸